

## پاس داشت میراث سرمایه‌های ملی.

سخنان ایراد شده در مراسم بزرگداشت شادروان طاهر احمد زاده در دانشگاه جرج واشینگتن، ۲۴ فوریه ۲۰۱۸

عبدالعلی بازرگان

بنام آنکه انسان را به موهبت آزادی و اختیار کرامت داد.

با سلام و خیرمقدم خدمت هموطنان عزیز و ارجمندی که برای بزرگداشت یکی از خدمتگزاران ملت و اسطوره‌های استقامت و پایداری در راه آزادی، در این مجلس حضور یافته‌اید.

در دنیای امروز ملت‌هایی زنده به‌شمار می‌آیند که تاریخ را از تولد خود آغاز نمی‌کنند و با تقدیر از قهرمانان گذشته و زنده نگهداشتن خاطره خدمات و برداشتن کوله‌بار تجربیات و تولیدات فکری آنان پیوندی میان گذشته و حال و آینده برقرار می‌کنند. سرمایه هر ملتی در تحکیم زیرساخت‌های سیاسی، ملی، مذهبی، فرهنگی و علمی و... پیشتازان و الگوهای هستند که با جان و توان خود آرشوار مرزهای میهن را در زمینه‌های مختلف گسترش داده‌اند. از این روی شناساندن آنان به نسل‌های بعدی می‌تواند موجب رشد و توسعه فرهنگی و عامل وحدت و انسجامی برای جامعه گردد.

در اوایل قرن بیستم، امیلی دیویسون عضو جنبش زنان مبارز حامی حق رأی زنان در انگلستان که در حرکتی انتحاری برای جلب توجه جهانیان به حقوق پایمال شده نیمی از جامعه، سد راه اسب پادشاه انگلیس در مسابقه اسب‌دوانی شد و جانش را از دست داد، سرمایه‌ای برای زنان انگلیس و جنبش بانوان فعال سیاسی (سافروجنها) گردید که به برکت جان او توانستند درست یکصد سال پیش در هشتم مارچ خواسته خود را به تصویب قانونی برسانند. اینک ما از سرمایه کسی که جان سه فرزندش مسعود، مجید و مجتبی را در مبارزه با دو نظام استبداد سلطنتی و فقه‌ای فدا کرد، دخترش مستوره را به اسارت داد و همسرش، مادر آن مبارزان، را احتمالاً از بیماری درسوگ آنان از دست داد، چه استفاده‌ای کرده و می‌کنیم؟

مردم آفریقای جنوبی از سرمایه مجاهدات «نلسون ماندلا» و تجربیات ۱۹ سال زندان آن مبارز خستگی ناپذیر نهایت استفاده را کردند، درست است که جمع عددی سال‌های اسارت احمدزاده در سال‌های ۳۵، ۵۰ تا ۵۷، ۶۰ تا ۶۵ و ۸۰ به ۱۹ سال نمی‌رسد، اما انگیزه و ایمان و قدرت صبر و مقاومت کسی که با چشیدن شکنجه و آزار جسمی و روحی، خود را باز هم پس از هر آزادی خود را برای مبارزه و زندان دیگری آماده کند بیشتر است. این همان ارشاد قرآنی: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» است که هرگاه از هرامتحنای آسوده شدی، خود را برای امتحان بعد آماده ساز.

سپاه پوستان آمریکا که حق هم‌نشینی با سفید پوستان در اتوبوس و رستوران را نداشتند، با سرمایه جان و جنبش «مارتین لوتر کینگ» توانستند «باراک اوباما» را به کاخ سفید برسانند. طاهر احمدزاده از ۱۸ سالگی تا ۹۳ سالگی، یعنی سه ربع قرن! در متن مبارزات ملت ما برای کسب آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی قرار داشت، آن هم نه برای یک صنف و طبقه و نژاد و مذهب، بلکه شانه به شانه سه جریان: ملی، مذهبی و سوسیالیست؛ در نهضت ملی دکتر مصدق، کانون نشر حقایق اسلامی و جریانات چپ. او پرچم مبارزات سه نسل را بردوش گرفته بود و برای جوانان پدیری می‌کرد.

مرحوم احمد زاده همچون مرحوم طالقانی زندگی را در انتقال از این زندان به آن زندان گذراند، اما به موازات تحمل این اسارت‌ها، به مصداق: «همراه هر سختی حتماً آسانی است» (إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا)، توانست به آسانی از انواع اسارت‌های نفسانی، فکری، فرهنگی و سیاسی خود را آزاد و شخصیتش را آبدیده‌تر سازد. به مواردی از آن اشاره می‌کنم:

۱- آزادی از زندان طبقه: او در خانواده‌ای مرفه متولد شده بود، اما بیش از مدعیان چپ و راست مدافع حقوق محرومان بود و از همه چیز خود برای بهروزی آنان گذشت.

۲- آزادی از استبداد پدرسالانه: احمدزاده یار غار و دست راست مفسر قرآن مرحوم استاد محمدتقی شریعتی در کانون «نشرحقایق اسلامی» و چهره‌های کاملاً مذهبی بود، اما آزادی انسان برای او آن چنان نهادینه شده بود که نه مانع پیوستن برخی از فرزندان به جریان چپ شد، و نه مانع ترک مبارزه و خدمت برخی دیگر از طریق علم و دانش تخصصی.

۳- آزادی از تعصب دینی: احمدزاده با پیوستن به جریان نوگرای دینی و نقد دیدگاه‌های سنتی فقیهان و نوشتن «جهان بینی توحیدی» نشان داد از اسارت چارچوب‌های تقلیدی عبور کرده است.

۴- آزادی از تعصب سیاسی: عمر سیاسی هفتاد ساله احمد زاده در یک جریان نگذشت و اسیر قالب‌های ثابت نشد؛ در جوانی به جبهه ملی به رهبری مصدق پیوست، پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ وارد تشکیلات نیمه مخفی «نهضت مقاومت ملی» گردید و پس از بسته شدن همه راه‌های مبارزه مسالمت آمیز قانونی و سرکوب گروه‌ها و احزاب در سال‌های ۴۱ تا ۴۳، از دهه پنجاه به بعد غیر مستقیم حامی جریانات براندازی شد.

۵- آزادی از تعصب تشکیلاتی: او زندگی سیاسی خود را در همان اوان جوانی با پیوستن به نهضت ملی شادروان دکتر مصدق آغاز کرد، اما نقدهایی نیز به گزینش بعضی همکاران رهبر محبوب خود داشت. پس از دستگیری آن پیشوا، با جبهه ملی دوم نیز به دلیل برخی محافظه‌کاری‌ها در نقد مستقیم شاه و پرهیز از ذکر نام مصدق و ملی شدن نفت، مخالفت می‌کرد. او در زندان هم با تندروی جریان چپ، از یاران فرزندان جانباخته خود، مخالفت می‌کرد.

۶- آزادی از همیشه اپوزیسیون بودن: احمدزاده در دوران اصلاحات با وجود اکراه جریان برانداز از شرکت در انتخابات، از خاتمی حمایت می‌کرد و بر این باور کرد که گذر به دموکراسی در یک جامعه دینی با گزینش یک روحانی باورمند به آزادی آسان‌تر خواهد بود. او در هر دو نظام مخالفان را به استفاده از ظرفیت‌های مثبت قانون اساسی موجود تشویق می‌کرد.

۷- آزادی از اسارت‌های یتیمی: طاهر آقا از نه سالگی پدراغان تبار خود را که از جوانی به ایران مهاجرت کرده بود، از دست داده و یتیم شده بود، گویا از ملک و مزرعه آن پدر توانمند جز محدودی بقیه به غارت رفته و او که فرزند بزرگ خانواده بود، برای حمایت از مادر و دو برادر و دو خواهر خردسال مجبور بود با کشاورزی در احیاء آن میراث، جوانی خود را وقف سرپرستی خانواده کند و چنین شد که سختی‌های کمرشکن روزگار او را برای تحمل بار زندان‌ها و شکنجه‌های بعدی نیرومند ساخت.

به طور خلاصه، او در هفتاد سال مبارزه، اسوه «صبر» و مقاومت، «صراحت» لهجه، «شهامت» در نقد قدرت، «صداقت» در انطباق ایمان با عمل، «مدارا» با موافقین و «مروت» با مخالفین بود.

همان‌طور که در ابتدای سخن عرض کردم، رشد یافتگی هر ملت نسبت مستقیمی با میزان بهره‌برداری از سرمایه‌های انسانی موجود و از دنیا رفته خود دارد. نسل نو همواره نیازمند شناخت نمونه‌ها و الگوهای ممتاز در رشته‌های مختلف است. گفته شده است که «ما ملت زنده کش مرده پرستی هستیم» و ضرورت دارد در «جامعه شناسی نخبه کشی» تأمل کنیم. شک نیست غلو و گزافه‌گویی در باره درگذشتگان کاری بی‌حاصل است، اما آباد نگه‌داشتن مزرعه و خرمنی که گذشتگان احداث کردند و بهره بردن از محصول تجربه و تداوم تولیدات آنها شرط دوام و بقای یک ملت است.

جا دارد کتاب خاطرات ایشان که در نسخی بسیار محدود برای خواص تکثیر شده، به رغم همه تلاش‌هایی که برای خاموش و خفه کردن نور و ندای این رادمردان می‌شود، در داخل و خارج کشور چاپ و توزیع گردد و برای کسانی که به فرهنگ شفاهی خو گرفته‌اند، با استفاده از ابزار الکترونیک امروزی، نسخه شفاهی آن در اختیار علاقمندان قرار گیرد.

مصاحبه و جمع‌آوری خاطرات از همراهان و هم‌زمان قلیلی که هنوز در قید حیات هستند، خلاصه نویسی برای جوانانی که فرصت کافی برای مطالعه ندارند، تنظیم مقالات و بیانیه‌های چاپ شده در داخل و خارج و در صورت امکان تهیه فیلم زندگی و امثال آن با استفاده از امکانات امروزی، وظیفه‌ی باقیماندگان فکری و خانوادگی آن سفر کرده می‌باشد. احمدزاده در نوجوانی با الهام گرفتن از مصدق راه زندگی خود را برگزید، این راه را برای دیگران هموار سازیم.